

دانشجویان فکر نکنید امروزه، شراره‌ها روزه!

امیرجوهری لنگرودی

amir_772@hotmail.com

در پیکار جنبش آزادیخواهی ایران، دانشگاه همواره سنگر آزادی و آزادیخواهی و مبارزه بوده و این پیکار از دهه سی تا به امروز در شعار «**اتحاد- مبارزه- پیروزی**»، تجلی یافته است!

در چهارم مهر که ضربآهنگ همصدایی با جنبش سراسری مردم ایران که پیشتر از سقر کردستان با کشته شدن حکومتی مهسا (ژینا) امینی جرقه خورد، آتش زیر خاکستر زبانه کشید و شعله ور شد، همه چیز پوشش سراسری به خود گرفت. فعالین دانشگاه تهران در همان تاریخ برای اعتصاب سراسری دانشگاهها با شعار «فکر نکنید امروزه، قرار ما هر روزه»، اعلام داشتند: «همکلاسی، همسرنوشت! اساتید و کارکنان آزادیخواه!

امروز چگونه می‌توانیم در کلاس‌های دانشگاه شرکت کنیم؟ برای آموختن چه چیزی؟

امروز که «خیابان‌ها غرق خون» است. خواهرانمان، برادرانمان و همکلاسی‌هایمان را ربوده‌اند و می‌ربایند، کشته‌اند و می‌کشند؛

امروز که سراسیمه و با واهمه از یکی شدن دانشگاه و خیابان، درهای دانشگاه را که رو به خیابان بود به روی ما بسته‌اند تا این بار عریان و بی‌پرده جولانگاه نیروی حراست و امنیتی شود؛

امروز که رد تاریخ بر خیابان است، تاریخ مبارزه با ستم، شوریدن علیه تباهی، جنگ با «فقر و فساد و بیداد» برای «نان، کار، آزادی و پوشش اختیاری»

امروز که فریاد «نه روسری، نه توسری» از تاریخ سر برآورد و با آمیختن با فریاد اکنونی «آزادی و برابری»، راه آینده را نوید می‌دهد؛

امروز که خیابان، نماد مبارزه را، «ژینا» را، زن را، زندگی را، آزادی را، چشم در چشم تباهی حاکم فریاد می‌زند. ما از خود، از شما می‌پرسیم؛ تاریخ از ما، از شما می‌پرسد: شرکت در کلاس دانشگاه چه معنایی دارد؟ تاریخ نظاره‌گر ماست؛ کدام سمت ایستاده‌ایم. ما به خواست سرکوب برای شرکت در کلاس‌های مجازی امنیتی، می‌گوییم «نه!».

امروز یکماه و اندی از آغاز جنبش عظیم آزادیخواهی مردم ایران می‌گذرد. برکسی پوشیده نیست که طی اینمدت فراز و فرودهای حکومت بر تمامیت گروهبندی‌های اجتماعی ما، جمعی را کشته و خیل وسیعی را زخمی و روانه بیمارستان‌ها و درون خانه‌ها جای داده‌اند. تعدادی را ربوده و به بازداشت و بندکشانده‌اند. این جنبش حاصل انفجارخشم عمومی مردمان جامعه است و خامنه‌ای، "فرمانده"

درمانده، آنها را طی دونوبت «عکس‌العمل ناشیانه و ابلهانه و برنامه‌ریزی برای اغتشاش» قلمداد کرده و گفتند: «برخی از این افراد یا عامل دشمن هستند یا اگر عامل هم نباشند هم‌جهت با دشمن هستند و برخی هم افراد هیجان زده هستند» و در یک عبارت ساده، خیز بزرگ مردمان ایران را به نام «اغتشاش‌های پراکنده»، «طراحی‌های انفعالی و ناشیانه دشمن»، به خارج از کشور نسبت داد. نسبت دادن این جنبش و قیام عظیم به کشورهای خارجی، دروغی است که تنها از زیر رادی و عبای این جماعت مکار، به شکل آشکاری خود را می‌نمایاند. بهانه‌هایی نخنما برای تداوم تبهکاری حکومت خون و جنون و جنایت بشمار می‌آید؛ چرا که ورود به مدارس کشور و بازداشت معلمان و تهاجم به خانه‌های مردم برای ربودن فرزندان تلاشگر جامعه، بهانه‌ای برای شکستن حریم دانشگاه تا صدای دانشجویان معترض را خفه کنند و صدها تن از آنها را بر بایند، همه و همه این اعمال از سر درماندگی، نشانه حيله گری از نوع عماله بسری و کلاه مشاطه گری حوزویست! تاریخ پرتحول جنبش دانشجویی ما نشان داد؛ دانشگاه به عنوان یگانه فضای عمومی که در بطن خود امکان متشکل شدن حول ایده‌های مترقی را دارد، در دوران معاصر ما همواره آماج سرکوب، کنترل و «پاکسازی»‌های رسمی و غیررسمی حکومت‌های استبدادی بوده است. ورود نیروهای امنیتی به حریم دانشگاه در ایران سابقه‌ای درازمدت دارد که نخستین آنها به آذر ۱۳۳۲ برمی‌گردد. فراز خونبار جنایت شانزدهم (۱۶) آذر آن سال، کمتر از فرافکنی به اصطلاح «انقلاب فرهنگی» خمینی امام مرگ، در دهه ۶۰ نیست. همچنین حمله‌های مهر ماه ۱۴۰۱ به دانشگاه‌های ایران از جمله؛ تهاجم شبانه به دانشگاه صنعتی شریف در دهم مهر و دانشگاه تبریز و سرکوب گسترده‌ی دانشجویان در شرایطی صورت گرفته است که دانشجویان سراسر دانشگاه‌های کشور در همبستگی و همراهی با جنبش آزادیخواهی مردم، دست به اعتصاب، تحصن و برگزاری تجمعات گسترده زده‌اند. پیوستن برخی از استادان به صف دانشجویان پیشرو از جمله وقایع خجسته‌ی برخاسته از بیست‌اجتماعی دوران سازتاریخ معاصر ایران در سال ۱۴۰۱ بشمار می‌رود.

فردای روز حمله به دانشگاه شریف، در دفاع از دانشجویان دستگیر شده و زخمی، اعتصاب دانشجویان و به خیابان ریختن آنان شکل جهشی به خود گرفت و این شعار سر داده شد: «دریدند، دریدند / شریفو به خون کشیدند» یا «آزادی حق ماست/ شریف اسم رمز ماست» و اعلام داشتند که ما سر کلاسها حاضر نخواهیم شد و کلاسهای آنلاین را هم تحریم خواهیم کرد. اعتصاب ما دانشجویان با بایکوت کلاسهای حضوری و آنلاین خواهد بود. اعلام میکنیم: که در دانشکده‌ها شعار می‌دهیم و کلاس‌ها را به تعطیلی می‌کشانیم. در ادامه تهاجم وحشیانه در ورود قوای سرکوب به دانشگاهها و ناکام ماندن آنان، دیگر بار تهاجم به مدارس دبیرستان‌ها را در برخی استانها و شهرستان‌ها در دستور کار قرار دادند. در این رابطه با این یورش غیر انسانی و ددمشانه و کودک‌کشی به حریم دبیرستان‌ها، اطلاعیه «شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران»، به درستی یادآور شده‌اند: «نیک می‌دانیم نیروهای نظامی، امنیتی و لباس شخصی‌ها، در حال تعرض به حریم مدارس و فضاهای آموزشی هستند. در طی این سرکوب سیستماتیک، تا کنون جان عزیز تعدادی از دانش‌آموزان و کودکان را به بی‌رحمانه‌ترین شکل گرفته‌اند؛ از نیکا و سارینا تا ابوالفضل و اسرا پناهی در اردبیل و ۱۴ دانش‌آموز و کودک سیستان و بلوچستان و کرمانشاه و گیلان و مازندران و کردستان و آذربایجان و مشهد... نهادهای سرکوبگر در هفته‌های گذشته، برخلاف قوانینی که کودکی را رافع مسئولیت می‌داند، صدها دانش‌آموز را در بازداشت نگه داشته‌اند و این روند به شکل غیر انسانی همچنان تداوم دارد، همچنین تعداد زیادی از معلمان نیز بی‌هیچ دلیل و بدون هیچ حکم قضایی بازداشت شده‌اند...» باری حاکمیت به گمان خام خود می‌پنداشت که با اتکا به نیروهای سرکوبگرش، حمله به دانشگاهها و مدارس کشور و بازداشت دانشجویان و دانش‌آموزان و معلمان، خواهد توانست جنبش را از توش و توان بیندازد. زهی خیال باطل! این جویبارهای پرجوش و خروش همچنان رهوار به هم می‌پیوندند و به سمت دریای خروشان آزادی پیش می‌روند و نویدبخش غلبه نور بر تاریکی اند. این طلحه فردا و فرداهای روشن، برای رسیدن به دنیایی فارغ از استبداد، ستمگری، زندان، شکنجه برای ساختن جهانی به سمت آزادی و برابری است. ایدون باد! پنجشنبه ۲۸ مهر ۱۴۰۱ برابر با ۲۰ اکتبر ۲۰۲۲